

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴

مفهوم‌شناسی آز در حماسه‌های پس از شاهنامه با تأکید بر کوش نامه و فرامرزنامه

موسی کیخا* - زهرا اختیاری** - ابوالقاسم قوام***

چکیده

آز یکی از مفاهیم حکمت عملی است که در پندار و گفتار و کنش آدمیان آشکار می‌شود. این مفهوم در ادبیات کلاسیک ایران در انواع و قالب‌های مختلف ادبی به شکل‌های روایی و غیرروایی بازنمایی شده است. شعر حماسی ایران به سبب ساختار روایی و توجه به کنش قهرمانان و ضدقهرمانان، با دقت بیشتری این مفهوم را نشان داده است. درباره‌ی بازتاب مفهوم آز در ادبیات حماسی، بیشترین توجه پژوهشگران به شاهنامه بوده است و به حماسه‌های پس از شاهنامه توجه ویژه‌ای نداشته‌اند. از این رو در این جستار سعی می‌شود با روش توصیف و تحلیل، خاستگاه مفهوم آز و چگونگی بازنمایی آن در ساختار روایی دو منظومه پهلوانی پس از شاهنامه (کوش‌نامه و فرامرزنامه) در سه حوزه مفهوم‌شناسی و شیوه بیان و کنش‌مندی قهرمانان و ضدقهرمانان تبیین شود.

مضمون آز در هر دو منظومه جلوه‌گری دارد؛ اما در کوش‌نامه از آغاز تا فرجام، مضمونی حاکم است و در فرامرزنامه نسبت به کوش‌نامه، حضور کم‌رنگ‌تری در جهان روایت دارد. پیوند حکمت خسروانی و اسلامی در تبیین مفهوم آز در هر دو منظومه کاملاً نمایان است. گویندگان سخن درباره‌ی آز و آزمندی در هر دو منظومه به روایان و قهرمانان تقسیم می‌شوند.

واژه‌های کلیدی

آز، کوش‌نامه، فرامرزنامه، دین اسلام، حکمت خسروانی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران k.moosa52@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

ekhthari@ferdowsi.um.ac.ir

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

ghavam@ferdowsi.um.ac.ir

۱- مقدمه

منظومه‌های حماسی، نمایش باورها و آرزوهای پیشینیان است که از آن درس بزرگی و آزادگی می‌توان گرفت؛ جلوه‌های عقلانیت یا نابخردی در منش و کنش قهرمانان و ضدقهرمانان از این نوع است. این منظومه‌ها تمدن یک ملت را به تصویر می‌کشد و به همین سبب تنوع مضامین دارد؛ چنانکه در آن افزون‌بر توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های قوم، عادات و فرهنگ و اخلاق آن قوم نیز معرفی می‌شود. این جامعیت، ادب حماسی را (در کنار مضامین پهلوانی) از مضامین تعلیمی و اخلاقیات نیز سرشار کرده است (صفا، ۱۳۶۹: ۹).

از دیگر ویژگی‌های منظومه‌های حماسی، دیگرگون‌بودن زمان وقوع و سرایش آنهاست؛ به این معنا که سرچشمه منظومه‌های حماسی، داستان‌ها و روایات قدیم است؛ اما دوره طلوع و ظهور آنها، قرن‌ها پس از وقوع حوادث آنهاست و در واقع زمان پیدایش آنها، مدت‌ها پس از حوادثی است که از آنها سخن می‌گویند؛ بنابراین سراینده‌گان با افزودن عناصری معنوی و کلامی و لفظی، نقش مؤثری در غنابخشی حماسه‌ها دارند. البته باید بین آثار مدنی و افکار و اعتقاداتی که سراینده از عصر زندگی خود بر داستان‌های عهد قدیم (عصر زندگی پهلوانی) می‌افزاید، یگانگی و تشابهی، دست‌کم به شیوه عام، وجود داشته باشد (همان: ۹).

سومین ویژگی منظومه‌های حماسی روایی‌بودن آنهاست. روایی‌بودن این امکان را برای سراینده‌گان فراهم می‌کند تا قهرمانان و ضدقهرمانان، مفاهیم مختلف را بیان کنند؛ همچنین با نمایش کنش و واکنش شخصیت‌های برتر، افزون‌بر معرفی شخصیت‌ها، سرانجام هرگونه رفتار را نیز به تصویر می‌کشد.

کوش‌نامه و فرامرزنانه دو منظومه حماسی است که هر سه ویژگی بالا (تنوع مضامین، دوگانگی زمانی مآخذ و سرایش و ویژگی روایی‌بودن) را در بر دارد. در هر دو منظومه، از یکی از مضامین اساسی است که در کنار سایر مضامین به آن پرداخته می‌شود.

در این جستار ضمن بررسی تأثیر حکمت خسروانی و دین اسلام در تبیین مضمون آن در دو منظومه، نقش سراینده‌گان و قهرمانان در بیان این مضمون و اکاوی می‌شود؛ همچنین با تحلیل کنش آزمندان در هر منظومه، میزان موفقیت منظومه‌ها در هماهنگی بین اندیشه و رفتار مشخص خواهد شد. نویسندگان برای دستیابی به این اهداف به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند:

۱) خاستگاه مفهوم آن در کوش‌نامه و فرامرزنانه کدام است؟

۲) مفهوم آن در ساختار روایی در دو منظومه چگونه بازنمایی شده است؟

۳) اندیشه آزمندی با کنش شخصیت‌ها در دو منظومه پهلوانی کوش‌نامه و فرامرزنانه چه ارتباطی دارد؟

نگارندگان این مقاله برای بررسی آن در دو منظومه کوش‌نامه و فرامرزنانه از دو روش مقایسه و تحلیل استفاده کرده‌اند که در سه محور اصلی پندارها و گفتارها و شخصیت‌ها و اکاوی می‌شود. برای شکل‌بخشی صحیح، ابتدا مفهوم آن در سه محور بررسی می‌شود و سپس به‌طور تطبیقی تفاوت‌ها و شباهت‌های کارکردی آن بررسی خواهد شد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

از میان همه منظومه‌های حماسی، پژوهشگران تنها در شاهنامه فردوسی آن را بررسی کرده‌اند و به دیگر منظومه‌های حماسی نپرداخته‌اند. در مقاله «آز و نیاز دو دیوگردن‌فراز» (دوست‌خواه، ۱۳۸۰) نویسنده ضمن بررسی خاستگاه‌های کهن این دو دیو، حضور پر جلوه آنها را در شاهنامه بررسی می‌کند که مانند دو روی یک سکه، کارکردی دوگانه اما جدایی‌ناپذیر اسطوره‌گی - اخلاقی دارند. در مقاله «تحلیل و بررسی عنصر آز در شاهنامه فردوسی» (شجری، ۱۳۸۲)

ضمن بررسی جایگاه دیو آژ در اسطوره‌های یونانی و متون زرتشتی، با استناد و استشهاد به ابیاتی از شاهنامه، حضور بااهمیت آن در شاهنامه فردوسی تبیین شده است. نویسنده با گزارش آزمندی برخی از پادشاهان و پهلوانان، فریب‌کاری این دیو جادوگر و ناخرسند را آشکار می‌کند. در مقاله «محورهای آژ و کنش‌های شخصیت‌های آزمند در شاهنامه فردوسی» (باقری خلیلی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷)، نویسندگان ضمن بررسی آژ در اوستا و متون پهلوی، آن را پیرنگ برخی از داستان‌های شاهنامه، مانند داستان رستم و سهراب و رستم و اسفندیار، معرفی کرده‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش، تازگی موضوع این مقاله را نمایان می‌کند. در این جستار با بررسی مفهوم آژ در دو منظومه حماسی دیگر به جز شاهنامه، افزون بر گسترش جغرافیای پژوهش در منظومه‌های حماسی، این مفهوم برای نخستین بار در سه محور پندارها و گفتارها و شخصیت‌ها به طور مقایسه‌ای واکاوی می‌شود.

۲-۱ معرفی کوش‌نامه

کوش‌نامه منظومه‌ای حماسی در ۱۰۱۲۹ بیت است که ایرانشان یا ایرانشاه ابن ابی‌الخیر آن را در حدود سال‌های (۵۰۰-۵۰۶ ق) و به تقلید از شاهنامه به نظم درآورد (آیدنلو، ۱۳۸۶: ۳۵۷). موضوع آن، داستان زندگی هزار و پانصد ساله کوش پیل‌دندان، فرزند کوش، برادر ضحاک است که غیر از مقدمه ناظم به دو بخش کمابیش جداگانه تقسیم می‌شود. از بیت ۲۲۷ تا ۹۱۷، داستان شخصی به نام کوش آمده که با قهرمان اصلی منظومه متفاوت است و تنها در نام و چهره زشت با او اشتراک دارد. در پایان این بخش، از اسکندر و رسیدن او به مجسمه کوش پیل‌دندان در خاور زمین سخن می‌رود. اسکندر برای آگاهی از کوش، با مردی از نژاد جمشید به نام مهانش دیدار می‌کند و پس از شنیدن داستان جمشید و ضحاک، سرگذشت مکتوب کوش را از او می‌گیرد. سپس با مقدمه‌ای کوتاه و مستقل، روایت اصلی کوش‌نامه آغاز می‌شود که گزارش زاده‌شدن کوش و پرورش او نزد آبتین، پدر فریدون، و جنگ و صلح و چاره‌گری‌های او با ایرانیان و اقوام دیگر و بی‌رسمی‌ها و ستم‌های اوست. این داستان سرانجام با هدایت کوش به دست پیری فرزانه و رهاکردن خوی ددمنشانه به پایان می‌رسد (همان، ۱۳۸۶: ۳۵۶).

۳-۱ فرامرزنامه

فرامرزنامه منظومه‌ای حماسی در ۱۵۹۵ بیت است که به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده است. سراینده در آن بدون نوشتن هیچ مقدمه‌ای به موضوع اصلی وارد می‌شود و تنها یک واقعه زندگی فرامرز را به نظم می‌کشد؛ به این صورت که روزی کیکاووس با پهلوانان ایرانی به رامش نشسته بودند. ناگاه بیکی نامور از جانب شاه هند (نوشاد) که دست‌نشانده ایران بود، پیامی آورد و در آن از شاه برای دفع دشمنانش، پهلوانی از نژاد سام را به کمک خواست. فرامرز برای کمک به او نامزد شد و به هند لشکر کشید و پس از کشتن دیوان و اردهایان سهمناک، بر کید هندی نیز دست یافت و پس از بحث با برهمن‌ها، پادشاه هند و ملتش را به آیین ایرانیان درآورد.

سراینده و تاریخ سرایش این منظومه به طور دقیق مشخص نیست. اکبر نحوی با قید احتمال، ناظم این منظومه را رفیع‌الدین مرزبان فارسی معرفی کرده که اثرش را در حدود سال (۵۵۵ ق) در نواحی غربی ایران سروده است (۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۳۶). چون از این اثر در مجمل‌التواریخ سخن رفته است، بیشتر پژوهشگران سرایش آن را به قرن پنجم یا اوایل قرن ششم مربوط دانسته‌اند؛ اما سجاد آیدنلو گمان می‌برد که از منظومه‌های پس از سده پنجم و ششم باشد (۱۳۸۸: ۳۷).

۱-۲ پندارها

در هر اثر ادبی فکر و اندیشه‌ای اصلی و مسلط بر آن اثر وجود دارد که به آن درون‌مایه یا مضمون می‌گویند. ویژگی درون‌مایه آن است که جهت فکری نویسنده را نمایان می‌کند؛ به این معنا که درون‌مایه از پندارها و اندیشه‌های ویژه نویسندگان مایه می‌گیرد (داد، ۱۳۹۰: ۲۱۹). در منظومه‌های حماسی، درون‌مایه‌ها و مضامین، هم از پندارها و جهان‌بینی‌های مردم در روزگارِ رخدادِ حماسه‌ها و هم از اندیشه‌های سراینده‌ها سرچشمه گرفته است.

در دو منظومه کوشنامه و فرامرزننامه، از یکی از مضامینی است که در کنار سایر مضامین حماسی و غیرحماسی به آن توجه شده است و درباره آن، پنداشت‌ها و دیدگاه‌های دوگانه‌ای ارائه می‌شود. یکی از پنداشت‌ها به دوره سرچشمه داستان‌ها یعنی ایران باستان و دیگری به زمان سرایش آنها یعنی دوره اسلامی برمی‌گردد؛ بنابراین برای مشخص کردن میزان این اثرگذاری‌ها، شناخت مفهوم آز در حکمت خسروانی و دین اسلام ضروری است.

۱-۱-۲ آز در ایران باستان

آز در اوستا Azay و در پهلوی Az، یکی از تبه‌کارترین دیوان و از هم‌پیمانان و همدستان زورمند اهریمن است که سپه‌سالاری او را نیز بر عهده دارد. این دیو از زمان تاخت اهریمن بر آفرینش تا ظهور سوشیانت، در تبهکاری‌ها و آلودگی‌ها انباز و دستیار اوست (رضی، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۵؛ شکوهی، ۱۳۸۴: ۴۷). افزون‌بر آن معنا، آز در این متون به معنای ولع و نیرویی است که علیه طبیعت و اراده انسان قیام می‌کند و او را از سرنوشت طبیعی‌اش منحرف می‌کند (کوروجی، ۱۳۷۱: ۲-۱۸)؛ چنانکه آز گهمرد و مردیانه (آدم و حوا) را گناهکار کرد و باعث اخراج آنان از بهشت شد (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۵: ۱۰۲). همچنین مینوی خرد در پاسخ دانا که از غفلت مردم در امور دنیا و آخرت پرسش می‌کند، فریب دیو آز را مایه غفلت می‌شمرد (مینوی خرد، ۱۳۶۴: ۳۵).

در متون پهلوی سیری‌ناپذیری برجسته‌ترین ویژگی آز دانسته شده است (زهر، ۱۳۹۲: ۲۷۱). این دیو سیری‌ناپذیر سه جلوه چهری (شکم)، بدون چهر (شهو) و برون از چهر (آرزو) دارد و با این جلوه‌ها، آفرینش را به آلودگی می‌کشانند: «چهره‌ای آنکه اندر خوردن است که جان بدو بسته است. بدون چهر آرزومندی برآمزش است که خود رون (شهو) خوانده می‌شود که با نگاه به بیرون آنچه در درون است برانگیخته شود و سرشت تن آرزومند شود. بیرون‌چهر آرزوی بر هر نیکی که ببیند یا شنود» (فرنبغ دادگی، ۱۳۸۰: ۶۱). در این متون خرد و خرسندی نیروهایی هستند که خداوند برای رویارویی با دیو آز و غلبه بر آن آفریده است (مینوی خرد، ۱۳۶۴: ۳۵). حقیقت این است که «در فرهنگ ایرانی قناعت و خرسندی پسندیده است و براساس باور ایرانیان به انسان‌های خرسند کمتر آسیب می‌رسد و این افراد نسبت به دیگران زندگی آسوده‌تری خواهند داشت» (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۴۷).

۲-۱-۲ آز در قرآن و سیره نبوی

در زبان قرآن واژه «حرص» معادل «آز» است (باحقی، ۱۳۷۲: ۶۴۵) که در لغت به معنای علاقه شدید و در واقع یکی از صفات مذموم آدمی است (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۸: ۴۲۷-۴۳۳). خداوند قوم یهود را به سبب دارا بودن این صفت نکوهش کرد (بقره: ۹۶). دنیادوستی، پندار جاودانگی، ناامیدی از آخرت و وسوسه‌های شیطان از جمله عوامل گرایش آدمی به آزمندی است. آزمندی برای انسان عذاب جاویدان، بدبختی، رسوایی، نیازمندی، ناشکیبایی و... را در پی دارد. ایمان به خدا، یاد مرگ و خرسندی از جمله بازدارندگان آدمی از حرص است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۳۸۶-۳۹۵). ناگفته نماند که حرص در قرآن به همه انسان‌ها نسبت داده شده است. این نوع، حرص بر خیر واقعی و حرصی خدایی

است که در راستای نظام احسن آفرینش قرار دارد. این حرص متفاوت از حرص منسوب به انسان‌هاست که دارنده آن به سبب غفلت از خدا، دنیا دوستی را برمی‌گزیند. آنچه در قرآن و احادیث و متون اخلاقی نکوهش می‌شود، حرص منحرف است نه حرص الهی (سید عرب، ۱۳۸۱، ج ۶: ۲۱۵).

در کنار آیات و روایات اسلامی و متون اخلاقی که راه و روش چگونگی زیستن را به انسان‌ها می‌آموزد، سیره نبوی نیز الگویی عملی برای جویندگان سعادت‌مندی در جهان ناسوتی و لاهوتی است. در سیره نبوی دنیا جایگاهی ناپایدار است که شایسته دل‌بستن نیست؛ به همین سبب باید به اندازه نیاز از آن بهره برد و هر جاذبه‌ای که سبب دل‌بستگی به دنیا و غفلت از آخرت می‌شود، از نظر دور داشت؛ چنانکه پیامبر (ص) به یکی از همسرانش دستور داد پرده زیبایی را که در سرایش آویزان بود برای به یاد نیاوردن زیبایی‌های دنیا، از دیدگانش پنهان کند (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

بنابر آنچه بیان شد، بسیاری از مفاهیم درباره آز و آزمندی در متون زردشتی و دین اسلام، یکسان می‌نماید و تعیین دقیق مرجعی برای بهره‌گیری منظومه‌های کوش‌نامه و فرامرزنانه، در بسیاری اوقات دشوار است؛ اما گاهی با دقت در نوع کاربردها، تأثیر دین اسلام و حکمت خسروانی را در این دو منظومه می‌توان مشخص کرد. به همین منظور کاربرد آز در عرصه‌های واژگان، تعاریف، ویژگی‌ها، برآمدها و راه‌های مطرح‌شده برای برون‌رفت از این صفت ناشایست در این دو منظومه بررسی می‌شود.

۲-۱-۳ آز در کوش‌نامه

آز عنصر اصلی برای برانگیختن کینه‌ورزی‌ها و اساس همه بدی‌ها در شاهنامه فردوسی است (یاحقی، ۱۳۹۴: ۴۰). در حماسه‌های پس از شاهنامه نیز آز سبب همه زشتی‌هاست. عامل اصلی آزمندی، جهان‌پریرنگ است (اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۵۶). دنیا طلبی باعث می‌شود انسان در دام آزمندی گرفتار شود و به اعمال ناروا دست زند؛ زیرا «به داد جهاندار خرسند نیست» (کوسج، ۱۳۸۷: ۲۵۳)؛ چنانکه افراسیاب «سیاوخش از بهر بیشی بکشت» (همان).

در کوش‌نامه نیز آزمندی به دنیا با جلوه‌گری به سه صورت قدرت و ثروت و شهوت پایه همه مظاهر شرّ است. در کوش‌نامه آز از آغاز تا انجام در جهان روایت جریان دارد و سراینده در معرفی آن از حکمت ایران باستان و آموزه‌های دین اسلام بهره می‌برد.

۲-۱-۳-۱ بهره‌گیری کوش‌نامه از حکمت ایران باستان

شاعر در کوش‌نامه در عرصه کلمات و تعریف آز، به ادبیات پیش از اسلام یعنی حکمت خسروانی توجه دارد. او مانند حکمت باستان، واژه آز را با بیشی و فزونی برابر می‌داند (ایران‌شان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۸۶، ۳۲۷، ۳۸۲، ۶۵۹) و شخص آزمند را افزون‌منش و ناخرسند معرفی می‌کند: «دوشت آن که خوانیش افزون‌منش» (همان: ۳۸۸).

آز از نظر تعریف نیز در این منظومه همانند دیدگاه‌های باستانی، ستمکاره‌ترین دیوی است که در درون جسم هر آدمی وجود دارد (همان: ۳۷۹-۳۸۰). نوع کاربرد واژه‌ها و مفاهیم، ریشه‌مندی این به‌کارگیری‌ها را در حکمت باستان مشخص می‌کند و خود شاعر نیز به پهلوی بودن آنها اشاره دارد؛ چنانکه هنگام ذکر واژه‌های «هوخت، آهوخت، هور» و متضاد آنها «دوشت، دوشوخ، دو شور» توضیح می‌دهد که این کلمات پهلوی است و برای فهم مخاطب، آنها را به زبان فارسی شرح می‌دهد:

دوشت آن که خوانیش افزون‌منش نه نیکونمای و نه نیکوکنش

(همان: ۳۸۸)

۲-۱-۳-۲ بهره‌گیری کوشش‌نامه از دین اسلام

سراینده کوشش‌نامه مردی مسلمان و بهره‌مند از دانش دینی است و در بیان فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی از آیات قرآن و احادیث نبوی بهره می‌برد؛ چنانکه برای این منظور گاهی قسمتی از آیه را در شعر خود می‌آورد (همان: ۴۴۰). او بسیار به مضامین آیات و روایات نیز اشاره می‌کند. شاعر، از راه اشاره به مضامین آیات نکوهش کرده است؛ همچنین با معرفی سبک زندگی پیامبر (ص) و سرمشق قرار دادن آن، آدمیان را از گرفتار شدن در دام این صفت فرومایه باز می‌دارد (همان: ۱۵۱).

الف) دلایل نکوهش آزمندی

۱- آزمندی، مخالف فرمان خداست

یکی از ویژگی‌های آزمندان مال‌اندوزی است. در قرآن کریم این صفت نکوهش شده است (توبه: ۳۵؛ همزه: ۲-۱). سراینده کوشش‌نامه آزمندی را مخالف دستورات الهی و تعالیم دینی می‌داند و آدمی را از آن باز می‌دارد؛ زیرا معتقد است انسان آزمند، گردآورنده مال برای دیگران است و خود از این ویژگی بهره‌ای جز تحمل رنج و زحمت ندارد:

ز ورزیدن گنج و مایه چه سود؟ کجا مایه عمر است و گیتی ربود
 نهان کردن و پس بماندن به جای همانا نفرمود ما را خدای
 (ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۴۹)

۲- آزمندی سبب عذاب اخروی است

بر پایه آیات قرآن کریم، همه اعضای بدن آدمی در این دنیا مسئول هستند و در قیامت بر همه اعمالشان گواهی می‌دهند (فصلت: ۲۰؛ نور: ۲۴؛ یس: ۶۵). همچنین در قرآن کریم به آزمندان وعده عذاب دردناک داده شده است (توبه: ۲۳-۲۴). سراینده کوشش‌نامه نیز انسان را مسئول اعمال خود می‌داند. او معتقد است اندام‌های آدمی در قیامت بر عملکرد دنیایی‌شان گواهی می‌دهند و هنگامی که شخص آزمند به نکوهیده‌ها و زشتی‌ها گرایش می‌یابد، رنج و دردسر اخروی را برای خود فراهم می‌کند (ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۴۹). چنانکه مهانش در این منظومه، اسکندر را فردی آزمند و فزون‌خواه می‌داند (همان: ۱۸۶) و برای برحذر داشتن او از این صفت اخلاقی چنین می‌گوید: «روزی به باید شدن زین سرای سپنج» (همان: ۷۰۰) و تأکید می‌کند که اندام‌های آدمی در قیامت بر اعمال او گواهی می‌دهند و چنانچه اندام‌ها در این دنیا آلوده شوند، در آخرت به رنج و عذاب دچار خواهند شد (همان: ۱۸۶).

ب) راه برون‌رفت از آزمندی

سراینده این منظومه برای دفع آرز، خرسندی را پیشنهاد می‌کند (همان: ۱۴۹)؛ زیرا توانگری واقعی خرسندی است (خوئینی و رحمتیان، ۱۳۹۵: ۴۹). او برای تبیین خرسندی، به آیات قرآن کریم و سبک زندگی پیامبر (ص) اشاره دارد. سراینده بر پایه آیات قرآن کریم، خداوند را فراخ‌کننده و تنگ‌گیرنده روزی بندگان می‌داند (رعد: ۲۶) و معتقد است که خداوند به تناسب حال بندگان به آنها روزی می‌دهد و کسی توان افزایش روزی نهناده را ندارد؛ بنابراین به انسان‌ها سفارش می‌کند که «بسنده کن آنچه ایزد آراسته‌ست» و تأکید می‌ورزد که ناخرسندی و تلاش تو نیز برای فزونی جستن بی‌فایده است (ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۵۰). همچنین در منظومه کوشش‌نامه بر اساس آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)؛ پیامبر را سرمشق قرار می‌دهد و با ذکر

چند نمونه از بی‌توجهی پیامبر^(ص) به زخارف دنیوی (ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۵۱)، به دیگران سفارش می‌کند که روش پیامبر^(ص) را در پیش گیرند و آزمندی را به یک‌سو نهند:

تو گـر مـردمی از کوتاه کن به پیغمبر خویشت— راه ک—

(همان: ۱۵۱)

او در منظومه دیگرش، *بهم‌نامه*، نیز بی‌توجهی پیامبر^(ص) نسبت به دنیا را الگویی برای مردم معرفی می‌کند (همان، ۱۳۷۰: ۲۲۲) و سفارش کرده است که «ره از مسپر تو ای پیش‌بین» (همان).

۲-۱-۴ آز در *فرامرزنانه*

آز در *فرامرزنانه* عامل اصلی جنگ و درگیری است؛ اما در جهان اصلی روایت چندان به آن پرداخته نشده و فقط در چند بخش با توجه به شرایط داستان از آن سخن رفته است. در این منظومه برای معرفی مفهوم آز، هم از آموزه‌های حکمی ایران باستان و هم از تعالیم دین اسلام بهره برده شده است؛ چنانکه در عرصه واژگان افزون‌بر به‌کارگیری آز و برابر دانستن آن با بیشی - که از واژه‌های برگرفته از ادبیات ایران پیش از اسلام است - از واژه «حرص» نیز استفاده شده که یک واژه قرآنی و معادل آز است (*فرامرزنانه*، ۱۳۸۲: ۶۳). آز در عرصه تعریف نیز، مثل تعریف آن در حکمت خسروانی، همانند دیوی دانسته شده است که درون تن آدمی جای دارد (همان: ۱۴۱).

در این منظومه نمی‌توان تشخیص داد آنچه درباره ویژگی‌ها و نتایج آز گفته شده است، در تعالیم قرآنی ریشه دارد یا برخاسته از آموزه‌های خسروانی است؛ زیرا در این باره آموزه‌های مشترک هر دو حکمت بیان شده است. ویژگی‌هایی که برای آز در این منظومه برشمرده شده، عبارت است از: سیری‌ناپذیری، مکاری، فریبکاری (همان: ۲۱۸)؛ نتایجی هم که به بار می‌آورد، گمراهی و دوزخی شدن آدمی است:

که او دل بـردِ مرد بی‌دین کند سرانجام را جـای سنگین کند

(همان: ۱۴۱)

۲-۲ گفتارها

سخن به‌کاررفته در هر روایت، دو گونه است؛ یکی سخنانی که راویان یا سرایندگان در میان داستان بیان می‌کنند و دوم سخنانی که از زبان شخصیت‌های داستان یعنی قهرمانان و ضدقهرمانان جاری می‌شود که در اصطلاح روایت به آن گفت‌وگو می‌گویند. در این نوشتار برای اشمال به هر دو نوع سخن، صورت عام‌تر آن یعنی گفتار، به کار برده شده است.

گفتار در داستان افزون‌بر پیشبرد عمل داستانی و کمک در فهم موضوع و درون‌مایه، در معرفی ابعاد مختلف روانی، اخلاقی و رفتاری اشخاص نقش بسزایی دارد. در واقع گفتار رابط میان آگاهی‌های درونی و دنیای بیرونی است؛ به آن معنا که افزون‌بر بیان اندیشه‌ها، آشکارکننده چگونگی و شیوه انجام فعل و انفعالات درونی اشخاص است که به صورت حدیث نفس (گفت‌وگو با خود) یا گفت‌وگوی با دیگران ظاهر می‌شود (باختین، ۱۳۸۰: ۶۰).

در دو منظومه *کوش‌نامه* و *فرامرزنانه* سرایندگان و قهرمانان، آز و آزمندی را نکوهش کرده‌اند که با بررسی نقش هرکدام در میان داستان افزون‌بر تعیین اثرپذیری یا تأثیرناپذیری مخاطب، ویژگی‌های شخصیت هر یک را نیز می‌توان بررسی کرد.

۲-۲-۱ کوش‌نامه

۲-۱-۲ گفتار سراینده کوشنامه درباره آز

سراینده یا نویسنده از عناصر اصلی روایت‌های داستانی است که بدون وجود او داستان یا روایت به وجود نمی‌آید. خالق داستان گاهی در بیرون از عالم داستان وجود دارد که در این صورت داستان از زبان راوی روایت می‌شود. گاهی نیز به دنیای داستان و روایت وارد می‌شود و خود، نقش راوی را بر عهده می‌گیرد. لیت ولت در همین زمینه می‌گوید: «درحقیقت، بسیاری منتقدانی که در رابطه با خلط راوی خیالی عالم داستانی با نویسنده ملموس هشدار می‌دهند. ولفگانگ کایزر خاطر نشان می‌کند که راوی صورتی خلق شده است که به کلیت اثر ادبی تعلق دارد و بر همین اساس نتیجه می‌گیرد که در هنر روایت، راوی هرگز نویسنده‌ای شناخته شده یا ناشناس نیست؛ بلکه نقشی خلق شده هست که توسط نویسنده گزینش گردیده است» (۱۳۹۰: ۱۵).

در منظومه کوشنامه رد پای سراینده را درباره نکوهش آز در دو جا می‌توان دید؛ یکی پیش از ورود به روایت اصلی و دیگری در ضمن روایت. او پیش از ورود به داستان اصلی کوش، در مقدمه به بیان تحمیدیه، نعت پیامبر (ص)، ستایش دانش و خرد، بی‌ثباتی عمر و... می‌پردازد و در همه این مباحث آز و آزمندی را نکوهش می‌کند؛ این بیانگر آگاهی کامل سراینده از جهان گردنده روایت خود است و از ابتدا آن را براعت استهلالی آورده است تا مخاطب را از سیر خط فکری روایت آگاه کند و یکی از اصلی‌ترین علت‌های گمراهی و تباهی‌های بشر یعنی آز را به او بنمایاند و خرسندی را در جایگاه تنها راه نجات از این دیو تباه‌کننده، به او نشان دهد (ایران‌شان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۴۷).

افزون بر مقدمه، سراینده زمانی که داستان اصلی را از زبان دانای کل روایت می‌کند بی‌آنکه تغییری در زاویه دید دهد، وارد روایت می‌شود و درباره اشخاص، اعمال و انگیزه‌های آنان اظهار نظر می‌کند؛ چنانکه وقتی قباد، کوش را شکست داد و او را به همراه گنج‌هایش نزد فریدون فرستاد، عنان روایت را به دست می‌گیرد و هشدار می‌دهد که خردمند باید از سرنوشت کوش پند گیرد و آزمندی را رها کند و به داشته‌های خود خرسند باشد (همان: ۵۳۲).

سخنان سراینده درباره آز مانند سخنان راوی معتمد، برای مخاطب پذیرفتنی است. «راوی اعتمادپذیر راوی‌ای است که از خواننده انتظار می‌رود گزارش داستان و ارائه تفسیر درباره آن (داستان) را از او به‌عنوان یک گزارش معتبر حقیقت‌دستانی بپذیرد» (Rimmoon-kenan, 2002: 101). یکی از دلایل باورپذیری سخنان او، مطابقت گفتار با رفتار او است؛ به این معنا که سراینده در سراسر داستان، سخنی بر زبان نرانده است که با نکوهش‌های او از آزمندی در تضاد باشد.

دلیل دیگر برای باورپذیری سخنان سراینده کوشنامه درباره آز، بیان استدلالی و اثباتی جملات است. او برای اثبات مدعایش مبنی بر بی‌فایده بودن آزمندی با ذکر دلایلی از زمان گذشته و حال و آینده، همگان را به تفکر وامی‌دارد. او به همه یادآوری می‌کند که در گذشته سرنوشت خسروان پرزور و زراندوزی را دیده‌ایم که با دست‌خالی به دنیای دیگر سفر کرده‌اند؛ همچنین گوشزد می‌کند که جهان لحظه‌ای بیش نیست و «به یک دم‌زدن نیست خواهی شدن» (ایران‌شان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۴۸) و هشدار می‌دهد که شما نیز تا لحظه‌ای صاحب‌اختیار اموال و دارایی‌هایتان هستید که زنده‌اید و افزون‌بر اینکه هنگام مرگ همه آنها را ترک می‌کنید، نزدیکانتان نیز تحمل ندارند لحظه‌ای در خانه بمانید. سراینده نگاهی نیز به آینده دارد و خبر می‌دهد که انسان آزمند به هنگام رفتن از این سرای سپنج در جهان دیگر برای خودش رنج و دردسر فراهم می‌کند (همان: ۱۴۸).

۲-۱-۲ گفتار قهرمانان کوشنامه درباره آز

قهرمانان یا شخصیت‌های داستان، از عناصر واقعی و عینیت‌دهنده به زندگی اجتماعی هر روایت هستند. درواقع

قهرمانان یا شخصیت‌ها، پایه و اساس هر داستان و روایت‌اند و آنان با رفتار و گفتار خود روایت را به وجود می‌آورند. گفتار قهرمانان در روایت‌ها ممکن است میان اشخاص داستان ردوبدل شود یا در ذهن شخصیت واحدی رخ دهد (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۶۰۷). در کوش‌نامه مانند سایر منظومه‌های حماسی، قهرمانان برای برجسته‌کردن مفاهیم گوناگون گاه از یک شیوه و گاهی از هر دو شیوه گفت‌وگو بهره برده‌اند. چنانکه در این منظومه، قهرمانان در دو بخش، با گفت‌وگوی با یکدیگر از را در جایگاه تفکر اصلی حاکم بر روایت، معرفی و نکوهش کرده‌اند. در بخش اول منظومه (پس از مقدمه) که مدخلی برای ورود به بخش اصلی کتاب (داستان کوش پیل‌دندان) است، قهرمانان در گفت‌وگوی با یکدیگر از و آزمندی را در جایگاه تفکر اصلی حاکم بر فضای روایت نکوهش می‌کنند و با بیان براعت استهلالی دیگر به فضای اصلی روایت وارد می‌شوند.

شیوه گفت‌وگو در این بخش، پرسش و پاسخ است. این نوع گفت‌وگو نسبت به سایر گفت‌وگوها، به‌ویژه برای آیندگان، جنبه تعلیمی و آموزشی بیشتری دارد؛ چنانکه بزرگمهر در این باره گفته است: «هرآنچه را که به ماندگاری آن عقیده‌مند بودم به صورت پرسش و پاسخ فراهم آوردم و در این دفتر نوشتم تا برای آیندگان بماند و رفتار و کردار و جهان‌بینی ایشان را بیاراید و به سامان رساند» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۷۲).

گفت‌وگوی قهرمانان در این بخش، بین دو شخصیت آزمند و خرسند، یعنی اسکندر و پیری دانشمند به نام مهانش است که در کوهی بلند اقامت دارد. در این گفت‌وگو سرانجام دنیوی و اخروی آزمندان و خرسندان نمایان شده است. چنانکه اسکندر پس از برخورد با مجسمه کوش پیل‌دندان در سرزمین خاور، برای کسب اطلاع از داستان او نزد مهانش می‌رود. مهانش به‌تنهایی در کوهی بلند اقامت دارد و هیچ خطری او را تهدید نمی‌کند و همین تعجب اسکندر را برمی‌انگیزد و راز زندگی آسوده را از پیر می‌پرسد. او خرسندی را رمز آسایش معرفی می‌کند و آزمندی را علت سختی‌ها و گرفتاری‌های اسکندر در دنیا می‌داند و به او می‌فهماند که این صفت در جهان دیگر نیز آینده دردناکی برای آزمندان در پی دارد (ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

در بخش اصلی روایت نیز قهرمانان با گفت‌وگوی با یکدیگر از را معرفی و نکوهش کرده‌اند. گفت‌وگوها در این بخش به دو شیوه پرسش و پاسخ و غیر پرسش و پاسخ صورت گرفته است. گفت‌وگوهای پرسش و پاسخی قهرمانان به نام جفت‌های نمونه شهرت دارد و از سنت اردشیر برگرفته شده است (دوفوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۲ و ۲۹). این گفت‌وگوها دو بار در این بخش دیده می‌شود. یکی از این گفت‌وگوها بین کامداد و سلکت و دیگری بین کامداد و برمابه، وزیر سلکت، است. این گفت‌وگوها زمانی اتفاق افتاد که آبتین پس از آگاهی از فرارسیدن اجل خود در تلاش بود که تربیت و نگهداری فریدون را به شخصی خردمند و روشندل و مهربان بسپارد. در همین زمان از حضور سلکت آگاه شد؛ او دوستدار ایرانیان و دشمن ضحاکیان بود و در کوه دماوند سکونت داشت. آبتین وزیر خود، کامداد را برای دانستن میزان دانش آنان نزدشان فرستاد. کامداد در آنجا دو آزمون پرسشی برگزار کرد؛ یکی با سلکت و دیگری با وزیرش برمابه. این پرسش و پاسخ‌ها مجموعه‌ای از فضایل و رذایل را در بر می‌گیرد و در آن، هم از دیوان منحرف‌کننده حاضر در درون آدمی سخن رفته و هم از عطایایی که خداوند برای دفع و مقابله با آنان به آدمی داده است؛ چنانکه از را یکی از دیوان تباه‌کننده آدمی و خرسندی را فضیلتی معرفی کرده‌اند که با آن بر آزمندی می‌توان غلبه کرد:

چو خرسند گشتی به داد خدای تو را بی‌گمان هست هر دو سرای

که خرسند را زندگانی خوش است نه خرسند را دل پر از آتش است
(ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۳۸۳)

شیوه پرسشگری در این مجموعه سیری منطقی دارد و پرسش‌ها از کل به جز مطرح شده‌اند؛ یعنی ابتدا پرسش‌ها به صورت کلی بیان شده و پس از آن از هر جزء، سؤالاتی جزئی‌تر پرسیده شده است (همان: ۳۷۹-۳۹۴). نکته مهم در پرسش‌های جزئی طرح پرسش‌های وصفی است که در آن، میزان اهمیت یا زشتی هر فضیلت و یا رذیلت نمایان می‌شود؛ چنانکه در این پرسش و پاسخ‌ها آرزو، بدترین رذیلت معرفی شده است:

از این ده سستبه کدام است؟ گفت نه خرسند گفتا و با کینه جفت
(همان: ۳۸۰)

گفت‌وگوی دیگری که در قسمت داستان اصلی درباره نكوهش آزمندی بین قهرمانان صورت گرفته است، پرسش و پاسخی نیست. طرفین این گفت‌وگو طیهور شاه و آبتین‌اند. علت این گفت‌وگو حسرت آبتین است؛ آبتین پس از اطلاع از حضور نیافتن کوش در چین به آن کشور حمله کرد و غنیمت‌های بسیاری نیز به دست آورد. کوش در این زمان نزد ضحاک بود و پس از آگاهی از هجوم آبتین برای مقابله با او به چین بازگشت. از سوی دیگر آبتین برای حفظ لشکریان خود محتاطانه عمل کرد و به سیلا نزد طیهور شاه برگشت؛ اما افسوس‌خوران چنین می‌گفت که ای کاش برای به چنگ آوردن و نابودی کوش چند ماهی تأمل می‌کرد. در اینجا طیهور ضمن یادآوری سلامتی همگان بر لزوم قدرشناسی این نعمت خداوندی تأکید می‌کند و او را از فزون‌خواهی باز می‌دارد: «به گرد فزونی و بیشی مپوی» (همان: ۳۲۷).

۲-۲-۲ فرامرنامه

۱-۲-۲-۲ گفتار سراینده فرامرنامه درباره آرزو

سراینده فرامرنامه در جهان اصلی روایت درباره آرزو سخنی نگفته است؛ اما در خارج از فضای روایت در دو جا در آغاز داستان‌ها ضمن گزارش کوتاهی که درباره محل زندگی و سن و طبقه اجتماعی خویش و... ارائه می‌دهد، از فقر خود می‌نالند و از آرزو و آزمندی معاصران خود شکوه می‌کند و به آنها توصیه می‌کند که از مال خویش بهره برند (همان: ۶۲-۶۳). این نکوهش از و انتقاد سراینده از معاصران آزمندش، شاید نه تنها بر مخاطبان خودش یعنی هم‌عصران آزمندش اثری نداشته است، بر سایر خوانندگان نیز تأثیری نمی‌گذارد و افزون‌بر آن به نظر می‌رسد باعث تنزل مقام شاعر در دیدگاه مخاطبان نیز می‌شود. سبب این نگاه منفی به سراینده و بی‌اعتمادی و باورناپذیری سخنان او، تناقض‌های درونی گزارش‌های اوست که دوگانگی باورها و گفتارهای او را به اثبات می‌رساند. چنانکه او از یکسو آزمندی ثروتمندان را نکوهش می‌کند و از سوی دیگر از فقر خود می‌نالند و راز درونی خویش مبنی بر آرزوی ثروتمندی‌اش را آشکار می‌کند (همان: ۱۰۲) و چنین می‌گوید که به‌ناچار قناعت را برگزیده است:

چو نرگس همه جام لیکن تهی قناعت گزین کن چو هستی رهی
(همان: ۱۰۳)

۲-۲-۲-۲ گفتار قهرمانان فرامرنامه درباره آرزو

قهرمانان فرامرنامه در گفت‌وگو با یکدیگر به شیوه پرسش و پاسخ، آرزو را نکوهش کرده‌اند. این گفت‌وگو بین برهمن و فرامرز اتفاق افتاده است. فرامرز هنگام رفتن به سوی کید هندی، برهمنی کهن‌سال و خداپرست را می‌بیند که هوش و فرهنگ و رأی دارد. برهمن به فرامرز وعده پیروزی و آشکارکردن دین و نام یزدان را می‌دهد. آنگاه فرامرز از

برهمن مجموعه پرسش‌هایی تمثیلی دربارهٔ آدمی و جهان می‌پرسد. این تمثیل‌ها افزون‌بر حلاوت‌بخشی، تأثیرگذاری پند و اندرزهای اخلاقی آن را دوچندان می‌کند؛ زیرا تمثیل یک رویهٔ آشکار دارد و یک یا چند رویهٔ پنهان که خواننده با تأمل و دقت در رویهٔ آشکار، رویه یا رویه‌های پنهان را درمی‌یابد (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۷۶)؛ چنانکه قهرمانان برای درک عینی مفهوم انتزاعی آز با تمثیل پلنگی خطرناک، سیری‌ناپذیری و مکاری آن را به تصویر کشیده و آدمیان را از گشتن بر گرد آن بازداشته‌اند:

غم و رنج خود را نخواهی دراز مگرد ای جوان گردانده آز
(فرامرزنانه، ۱۳۸۲: ۱۴۱)

گفتنی است در این گفت‌وگو برهمن، فرامرز را از گرفتاری در ورطهٔ آز بر حذر می‌دارد؛ اما برپایهٔ پرسش‌ها هیچ‌کدام نمایندهٔ صفت آز و خرسندی معرفی نشده‌اند.

۲-۲ شخصیت‌های آزمند در کوش‌نامه و فرامرزنانه

بررسی و شناخت شخصیت‌ها از مهم‌ترین عناصر برای تحلیل مضامین مختلف در هر روایت است. شخصیت در لغت به معنی ذات و خلق و خوی مخصوص شخص است و در معنی عام، مجموعه ویژگی‌هایی است که نتیجهٔ برخورد غرایز و امیال نهفتهٔ انسان با دانش‌های اکتسابی او در زمینه‌های مختلف اجتماعی است (داد، ۱۳۹۰: ۳۰۱). سرچشمهٔ اعمال و کنش شخصیت‌ها انگیزه‌ها، یعنی محرک‌های بیرونی و ویژگی‌ها و خصلت‌های روانی و خلقی است که اشخاص را به سوی آن عمل سوق می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۳۶).

در دو منظومهٔ کوش‌نامه و فرامرزنانه شخصیت‌ها با به نمایش گذاشتن رفتار و کنش آزمندان، افزون‌بر بیان انگیزه‌های گرایش به انجام این رذیلت، آزمندی خود را نیز برای خوانندگان آشکار کرده‌اند و سرانجام آزمندی خود شخصیت‌ها نیز به خوبی نمایان شده است؛ البته نمایش و معرفی شخصیت‌های آزمند، انگیزه‌ها و نمایش سرانجام آنها در دو منظومه، یکسان نیست؛ چه بسا یکی از دلایل این نایکسانی‌ها به تمرکز روایت‌ها بر موضوعی ویژه وابسته باشد.

۲-۳-۱ شخصیت‌های آزمند در کوش‌نامه

آز در کوش‌نامه یکی از مضامین اساسی است که بر کل داستان چیره است. شخصیت‌های این منظومه نیز با رفتار خود در همه جای روایت، آن را به نمایش گذاشته‌اند؛ چنانکه بعضی از این شخصیت‌ها از ابتدا تا پایان روایت در جایگاه شخصیت اصلی و بعضی نیز در بخشی از روایت در جایگاه شخصیت‌های فرعی ظاهر شده و به تکمیل مضمون آز کمک کرده‌اند. انگیزهٔ اصلی همهٔ شخصیت‌ها برای آزمندی، ناخرسندی بوده است که هرکدام با اهداف متفاوتی در آن گرفتار شده‌اند.

در این منظومه شخصیت‌های آزمند به گونه‌ای تصویر شده‌اند که خواننده افزون‌بر درک صحیح شخصیت‌ها، نتایج آزمندی را در سرنوشت آنان مانند تصویری بر پردهٔ نمایش مشاهده می‌کند. این آزمندان عبارت‌اند از: اسکندر، سلم، تور، ضحاک، کاووس، کوش.

۲-۳-۱-۱ اسکندر

اسکندر یکی از شخصیت‌های فرعی کوش‌نامه است که در بخشی از کوش‌نامه حضور دارد. در واقع داستان اسکندر حلقه‌ای برای بیان داستان اصلی کوش است. اسکندر در این روایت کوتاه، از فزون‌خواهانی است که انگیزهٔ نامجویی و کام‌جویی، او را گیتی‌پرست کرده و به همین سبب به رنج و سختی فراوانی دچار شده است. البته در این قسمت جز بیان قصد جهانگردی اسکندر که «یکی گرد گیتی همی گشت خواست» (ایرانشان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷، ۱۷۹) و یک بیت

در تصرف هند، سخنی دیگر از جنگ‌ها و داستان‌های اسکندر بیان نشده است.

۲-۳-۱-۲ کاووس

کاووس از شخصیت‌های فرعی در *کوش‌نامه* است. او آزمندی است که برای قدرت و ثروت، مرزی نمی‌شناسد. این خوی سیری‌ناپذیر کاووس چشم واقع‌بین او را بسته و خود و لشکریانش را گرفتار کرده است؛ به‌طوری‌که کوش به بهانه افزونی گنج و گاه او را می‌فریبد تا به مازندران حمله کند (همان: ۶۵۹). او نیز با دیدن سنگ‌هایی از زمرد ناب و لعل پاک آن سرزمین فریفته می‌شود و برای به دست آوردن این گنج و تخت، لشکریان خود را از سراسر کشور فرامی‌خواند و به مازندران می‌تازد. نتیجه این فزون‌خواهی گرفتاری کاووس و لشکریانش در بند شاه مازندران است (همان: ۶۶۱).

۲-۳-۱-۳ سلم و تور

سلم و تور دو تن دیگر از شخصیت‌های فرعی در *کوش‌نامه* هستند. این دو از آزمندان قدرت به شمار می‌آیند که به سبب آزمندی با دشمن اصلی‌شان یعنی کوش، متحد می‌شوند و افزون‌بر اینکه برادرشان، ایرج را می‌کشند، به قلمرو پدر نیز می‌تازند و قسمتی از آن را از دست پدر خارج می‌کنند. سرانجام نیز جان خود را بر سر آزمندی و فزون‌خواهی می‌بازند. در این منظومه روایت فریدون با *شاهنامه* متفاوت است (متینی، ۱۳۷۰: ۱۴۸-۱۴۹). او جهان را به سه بخش تقسیم می‌کند. سلم و تور تقسیم پدر را ناعادلانه می‌پندارند و با همدستی یکدیگر ایرج را می‌کشند؛ پس از آن با کوش، که تا آن زمان با یکدیگر در پیکار بودند، هم‌داستان می‌شوند و بر پدر خویش می‌تازند. سرانجام منوچهر، نبیره فریدون، به مجازات این فزون‌خواهی و گناهکاری آنان را می‌کشد.

۲-۳-۱-۴ ضحاک

ضحاک از آزمندان دیگر در *کوش‌نامه* است. او در این منظومه حاکمی است که دستور نابودی خاندان جمشید را می‌دهد و منشور فرمانروایی شاهان چین را صادر می‌کند که کوش از جمله آنهاست و جز اینها حضور چندانی در این اثر ندارد. آنچه درباره آزمندی او بیان شده، گوشت‌خواری بسیار است. او به سبب این آزمندی به بیماری خرچنگ، سرطان، دچار می‌شود و دو زائده، مار، بر کتفش می‌روید. آنگاه پزشکی هندی که به تعبیر سراینده *کوش‌نامه* اهریمن است، راه درمان را آن می‌داند که هر روز مغز سر دو مرد را به آنان دهند. این فزون‌خواهی نیز کشتن مردمان بی‌گناه و در نتیجه نابودی آرامش در آن سرزمین را سبب می‌شود (ایران‌شان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۳۰۲-۳۰۳).

۲-۳-۱-۵ کوش

کوش آزمندترین شخصیت در *کوش‌نامه* است. او نماد فزون‌طلبی در سه عرصه قدرت و شهوت و ثروت است. کوش در عرصه قدرت طلبی برای رسیدن به تخت شاهی از هیچ بدی‌ای دریغ نورزید و در برابر همه نیکی‌کننده‌های به خود، ناسپاسی را پیش گرفت. در کودکی به سبب چهره نازیبا، پدر از او متنفر شد و در کوهی رها گردید. آبتین این کودک رهاشده را برگرفت و همچون فرزندش به او مهر ورزید و پروراند. در نوجوانی پهلوانی بی‌مانند شد؛ پدر با وعده تاج شاهی او را به سوی خود کشاند. او که فریفته و آزمند جاه بود، از این بخش داستان به سرسخت‌ترین دشمن آبتین تبدیل شد و در نخستین گام، فرزند آبتین را که برایش چونان برادری بود، بر دار کشید. فزون‌خواهی و قدرت‌طلبی، کوش را به جایی رساند که برای خود همتا و همالی نمی‌یافت و به همین سبب خود را خدای مردم خواند و همگان را به پرستش و ستایش خود مجبور کرد (همان: ۵۰۸).

آزمندی او در عرصه ثروت به اندازه‌ای بود که هیچ مال و ثروتی چشم دنیا دوست او را پر نمی‌کرد؛ چنانکه با وجود چیرگی بر سرزمین‌های گسترده و روان‌شدن باژ و ساو بسیار، اموال و دارایی مردم سرزمینش را نیز با زور و قدرت تصاحب می‌کرد:

بسی بستند از مردمان خواسته ز هر کس که بد کارش آراسته
به کشور کجا مایه‌داری شنود نه مایه رها کرد با وی نه سود
(همان: ۵۰۷)

آزمندی دیگر، آزمندی جنسی و شهوانی کوش است؛ چنانکه بر زنان و کودکان و غلامان مردم سرزمینش چنگ می‌انداخت (همان: ۴۰۲) و بارها به مرزبانان خود نامه می‌نگاشت و از هر کدام دختری طلب می‌کرد. او هر شیئی را با یکی از دختران تحفه فرستاده‌شده به سر می‌برد و هر یک را که پسندش می‌آمد در مشکویش به بند می‌آورد و بقیه را به دیگران می‌بخشید. دختران باردار از او نیز بی‌درنگ کشته می‌شدند (همان: ۵۰۱). این فزون‌خواهی او را بر آن داشت تا به دو دختر خود نیز به چشم طمع بنگرد و آنان را به هم‌بستری با خویش فراخواند. چون دختران از این عمل سر باز زدند، در چنگال خشم او گرفتار آمدند و سر از تنش جدا شد (همان: ۶۵۵).

۲-۳-۲ کنش ضدقهرمانان در فرامرنامه

در فرامرنامه کید هندی، شخصیت اصلی روایت و آزمندترین شخصیت آن است. البته در این منظومه به صورت مستقیم حتی در پایان کنش‌ها از آزمندی اشخاص سخنی به میان نیامده است؛ اما آنچه به طور غیرمستقیم یعنی فقط در کنش نشان داده شده، آن است که کید هندی افزون‌خواهی است که به سبب توانمندی و قدرتمندی، هر ساله از نوشاد هندی باج می‌ستاند. سرانجام این زیاده‌خواهی نیز ذلت و خواری اوست؛ زیرا نوشاد که از هم‌پیمانان ایران بود و برای ایران نیز باج سالانه می‌فرستاد به کاووس نامه نگاشت و برای دفع کید هندی از او کمک خواست. کاووس، فرامرز را با منشور شاهی به هندوستان فرستاد؛ او پس از جنگ‌های متعدد بر کید هندی غالب شد؛ او را مطیع و منقاد خویش کرد و سرانجام او را از زیاده‌خواهی بر حذر داشت.

۳- نتیجه‌گیری

آز در دو منظومه کوش‌نامه و فرامرنامه یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌ها و عنصر اصلی کینه‌ورزی‌ها و در واقع اساس همه بدی‌هاست. با این تفاوت که در کوش‌نامه مضمونی چیره بر همه روایت است؛ اما در جهان روایت فرامرنامه، نسبت به کوش‌نامه، حضور کم‌رنگ‌تری دارد.

در هر دو منظومه برای تبیین و معرفی مضمون آز، از تعالیم دین اسلام و حکمت خسروانی بهره برده شده است. با این تفاوت که در کوش‌نامه توجه سراینده در عرصه واژگان و مفهوم‌سازی، به ادبیات پیش از اسلام بوده است. البته از نظر دلایل نکوهش آزمندی و علت آزمندشدن و شیوه برون‌رفت آدمیان از فزون‌خواهی، توجه و نگرش شاعر به آیات و روایات اسلامی است و افزون‌بر آن سبک زندگی پیامبر (ص) در جایگاه الگویی برای پرهیز از آزمندی مطرح شده است؛ اما در فرامرنامه بیشترین توجه سراینده به‌ویژه در عرصه تعریف به حکمت ایران باستان بوده است.

گویندگان سخن درباره آز و آزمندی در هر دو منظومه به راویان و قهرمانان تقسیم می‌شوند. در منظومه کوش‌نامه راوی بر جهان‌گردان روایت کاملاً مسلط است؛ در مقدمه یعنی پیش از شروع روایت و در هنگام روایت با کاربرد

جملات استدلالی و اثباتی، آدمی را از ماهیت آز آگاه می‌کند و از عواقب خطرناک آن بر حذر می‌دارد؛ اما در *فرامرزننامه*، راوی در جهان اصلی روایت درباره آز سخنی نگفته است؛ با این حال در چند جا پیش از شروع روایت اصلی، ضمن بیان شرح حال و نالیدن از فقر خویش، آزمندان معاصر خود را نقد می‌کند.

قهرمانان نیز در هر دو منظومه با گفت‌وگوهای خود آز و آزمندی را نکوهش کرده‌اند. بهترین نمونه گفت‌وگوها در هر دو منظومه آنهایی است که به صورت پرسش و پاسخ مطرح شده است. البته این گفت‌وگوها جنبه آموزشی و تعلیمی نیز دارد. با این تفاوت که گفت‌وگوهای مطرح شده در *کوشنامه* به صورت مجموعه‌ای است.

نکته دیگر آن است که در *کوشنامه* و *فرامرزننامه* افزون‌بر بیان مستقیم، به‌طور غیرمستقیم و از طریق کنش شخصیت‌های روایت، آزمندی به گونه‌ای تصویر شده است که خواننده افزون‌بر درک صحیح شخصیت‌ها، نتایج آزمندی را در سرنوشت آنان مانند تصویری بر پرده نمایش می‌بیند. اسکندر، سلم، تور، ضحاک، کاووس و کوش آزمندان *کوشنامه* در سه عرصه قدرت، ثروت و شهوت‌اند. در *فرامرزننامه* کید هندی یکی از افزون‌خواهان ثروت است. سرانجام افزون‌خواهی همه آزمندان، خواری و رنج و گرفتاری نشان داده شده است.

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از رساله نویسنده است. در نگارش آن از راهنمایی‌های دکتر سجاد آیدنلو، مشاور رساله، بهره برده شد.

منابع

- ۱- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: سروش، چاپ دهم.
- ۲- *نهج البلاغه* (۱۳۹۲). ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سی و دوم.
- ۳- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۶). «از میراث ادب حماسی ایران»، *نارسیده ترنج* (بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران)، اصفهان: نقش مانا، ۳۵۵-۳۸۲.
- ۴- ----- (۱۳۸۸). *متون منظوم پهلوانی*، تهران: سمت.
- ۵- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۹۳). *گرشاسب نامه*، تهران: دنیای کتاب، چاپ سوم.
- ۶- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۵). *اسطوره آفرینش در آیین مانی*، تهران: فکر روز.
- ۷- اسماعیلی، مراد (۱۳۹۵). «وجوه تشابه برخی مؤلفه‌های فرهنگی قابوس‌نامه با متون اوستایی و پهلوی»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳، ۳۹-۵۲.
- ۸- ایرانشان ابن ابی الخیر (۱۳۷۰). *بهمن‌نامه*، تصحیح رحیم عقیقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۹- ----- (۱۳۷۷). *کوش‌نامه*، تصحیح جلال متینی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۰- باختین، میخائیل (۱۳۸۰). *سودای مکالمه، خنده، آزادی*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.
- ۱۱- باقری خلیلی، علی‌اکبر؛ رحیمی‌نژاد، مهدیه (۱۳۸۷). «*محورهای آز و کنش‌های شخصیت‌های آزمند در شاهنامه فردوسی*»، *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شماره ۱۶۲، ۱۷۱-۱۹۶.
- ۱۲- ثروتیان، بهروز (۱۳۸۸). *خردنامه‌های ایران باستان*، تهران: مهتاب، چاپ دوم.
- ۱۳- خوئینی، عصمت؛ رحمتیان، سجاد (۱۳۹۵). «*جستاری در مآخذشناسی برخی از اندرزه‌های بوستان*»، *متن‌شناسی*

- ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره ۴، (پیاپی ۳۲)، ۶۲-۴۳.
- ۱۴- داد، سیما (۱۳۹۰). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید، چاپ پنجم.
- ۱۵- دوست‌خواه، جلیل (۱۳۸۰). *حماسه ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها*، تهران: آگه.
- ۱۶- دو فوشه کور، شارل هانری (۱۳۷۷). *اخلاقیات (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری)*، ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- ۱۷- رضی، هاشم (۱۳۸۱). *دانشنامه ایران باستان*، جلد اول، تهران: سخن.
- ۱۸- زهر، آر. سی (۱۳۹۲). *زروان یا معمای زرتشتی‌گری*، ترجمه تیمور قادری، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۱۹- سید عرب، حسن (۱۳۸۱). «حرص»، *دایرةالمعارف تشیع*، جلد ششم، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۲۱۵-۲۱۶.
- ۲۰- شجری، رضا (۱۳۸۲). «تحلیل و بررسی عنصر آزد در شاهنامه»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی، تابستان*، شماره ۱، ۸۲-۶۵.
- ۲۱- شکوهی، فریبا (۱۳۸۴). «آزد»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، جلد اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۴۷-۴۸.
- ۲۲- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- ۲۳- *فرامرنامه* (۱۳۸۲). به اهتمام مجید سرمدی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۴- فرنیغ دادگی (۱۳۸۰). *بندهش*، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس، چاپ دوم.
- ۲۵- کوروجی، جهانگیر کویاجی (۱۳۷۱). *پژوهش‌هایی در شاهنامه*، اصفهان: نشر زنده‌رود.
- ۲۶- کوسج، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷). *برزونامه*، تصحیح اکبر نحوی، تهران: میراث مکتوب.
- ۲۷- لیت و لت، ژپ (۱۳۹۰). *رساله‌ای در باب گونه‌شناسی روایت - نقطه دید*، ترجمه علی عباسی و نصرت حجازی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۲۸- متینی، جلال (۱۳۷۰). «روایتی دیگر درباره ایرج، تور و سلم و بخش کردن جهان»، *ایران‌شناسی*، بهار، شماره ۹، ۱۴۸-۱۵۹.
- ۲۹- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). *عناصر داستان*، تهران: سخن، چاپ نهم.
- ۳۰- مینوی خرد (۱۳۶۴). ترجمه احمد تفضلی، تهران: توس.
- ۳۱- نحوی، اکبر (۱۳۸۱). «ملاحظات درباره فرامرنامه و سراینده آن»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، زمستان، دوره ۱۶۴، ۱۱۹-۱۳۶.
- ۳۲- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۸۸). *المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته*، جلد یازدهم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۳۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). *فرهنگ قرآن*، جلد دهم، قم: بوستان کتاب.
- ۳۴- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *فرهنگ‌نامه قرآنی: فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۳۵- ----- (۱۳۹۴). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ پنجم.